

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: یوری روبتسوف (YURI RUBTSOV)

برگردان: ا. م. شیری

۲۵ فبروری ۲۰۲۳

درس‌های پیروزی



به مناسبت صد و پنجمین سالروز تشکیل ارتش سرخ کارگران و دهقانان

روز ۲۳ فبروری ۱۹۴۲، در فرمان یوسف ستالین، فرمانده کل قوای مسلح اتحاد شوروی به مناسبت بیست و چهارمین سالروز تشکیل ارتش سرخ آمده بود: «دور نیست آن روز که ارتش سرخ با ضربات قدرتمند خود دشمنان وحشی را از لنینگراد عقب براند، شهرها و روستاهای بلاروس، اوکراین و لیتوانی را پاکسازی کند. لتونی، استونی، کارلیا و کریمه شوروی را آزاد سازد و پرچم‌های سرخ پیروزی را در سراسر سرزمین شوروی به اهتزاز درآورد».

سخنان فرمانده کل قوا الهام‌بخش بود، اگرچه هیچ کس انتظار نداشت که فردا پیروز شود. فرمان هشدار می‌داد: «دشمن شکست خورده، اما هنوز در هم نشکسته... دشمن همچنان قوی است». پس از آن تابستان و پائیز ۱۹۴۲ بسیار دشوار بود. ورماخت با عبور از پیچ بزرگ نُن به سمت ولگا رفت و سعی کرد مدافعان ستالینگراد را به درون آن بریزد و به گذرگاه‌های قفقاز نفوذ کند...

فرمان تازه ستالین در ۷ نومبر ۱۹۴۲ می‌گوید: «آن روز دور نیست که دشمن به آتش ضربات تازه ارتش سرخ بسوزد و بدانند روزی در محله ما نیز جشن برقرار خواهد شد!» و دو هفته بعد، در ۲۱ نومبر، دفتر اطلاعات اتحاد جماهیر شوروی گزارش داد: «همین روزها نیروهای رزمنده ما در حومه ستالینگراد، به نیروهای نازی حمله کردند»...

این طلوع آفتاب پیروزی در ستالینگراد بود که برای المان نازی به کابوس بدل شد. در ۲ فیبروری ۱۹۴۳، در گزارش دفتر اطلاعات اتحاد جماهیر شوروی گفته می‌شد: «نیروهای مسلح ما عملیات نابودسازی نیروهای نازی را که در منطقه ستالینگراد محاصره شده بودند، به طور کامل تکمیل کردند».

و نکته مهم فرمان فرمانده کل قواء در ۲۳ فیبروری ۱۹۴۳ به مناسبت بیست و پنجمین سالروز تشکیل ارتش سرخ- «روزی در محله ما نیز جشن برگزار خواهد شد»، به طور کامل محقق شد: «۲۰ ماه از شروع مبارزات قهرمانانه ارتش سرخ علیه تهاجم انبوه نازی‌ها که در تاریخ بی‌نظیر است، می‌گذرد. با توجه به عدم گشایش جبهه دوم در اروپا، ارتش سرخ به تنهایی بار سنگین جنگ را متحمل می‌شود. با این وجود، ارتش سرخ نه تنها در برابر هجوم انبوهی از فاشیست‌های المان ایستادگی کرد، بلکه، نیروهای فاشیستی را در طول جنگ صاعقه‌آسا در هم کوبید».

در ادامه گفته می‌شود: «از لحظه حمله به حومه ستالینگراد، ابتکار عملیات نظامی در دست ما است و سرعت و قدرت ضربات عملیات تهاجمی ارتش سرخ ضعیف نشده است. امروز ارتش سرخ در امتداد یک جبهه ۱۵۰۰ کیلومتری در شرایط سخت زمستانی پیشروی می‌کند و تقریباً در همه جا به موفقیت دست می‌یابد. در شمال، در نزدیکی لنینگراد، در جبهه مرکزی، در حومه خارکوف، در دونباس، در نزدیکی راستوف، در سواحل بحیره آزوف و بحیره سیاه، ارتش سرخ ضربات پیاپی به نیروهای نازی وارد می‌آورد».

بسیاری از پیروزی‌ها و شاهکارهای تاریخی ارتش ما با ماه فیبروری گره خورده است. ۲۷ فیبروری ۱۹۴۳، رئیس شعبه سیاسی تیپ داوطلب ۹۱ سیبری به نام تیپ ستالین، که ترکیب جبهه کالینین می‌جنگید، گزارشی از ستوان یکم، پیوتر ولکوف، مبلغ بخش سیاسی، به شرح زیر دریافت کرد: «من در گردان دوم هستم. ما در حال پیشروی هستیم... در نبرد برای آزادسازی روستای چرنوشکی، ماتروسوف، عضو کامسومول، متولد ۱۹۲۴، طی یک اقدام قهرمانانه ورودی استحکامات را با بدن خود بست و پیشروی تیراندازان ما را تضمین کرد. چرنوشکی آزاد شد. حمله ادامه دارد».

این اولین مدرک در باره شاهکار یک انسان روس از شهر ولیکیه لوکی در استان پسکوف است. در تمام سال‌های جنگ، حتی یک سرباز دشمن، عملی شبیه به ماتروسوف انجام نداد. این نشانه اوج فضیلت است.

خاطره یک شاهکار دیگر ما را به تاریخ، به فیبروری ۱۹۴۳ می‌برد. در ۱۴ فیبروری، ارتش سرخ شهر کراسنای در منطقه وراشیلوگراد (لوگانسک فعلی) را آزاد کرد. پس از آن بود که کشور با «گارد جوان»- یک سازمان زیرزمینی متشکل از جوانان رزمنده علیه مهاجمان المانی آشنا شد. جوانان مخفی به اقدامات خرابکارانه در مؤسسات و راه‌آهن دست می‌زدند، پیام‌هایی از دفتر اطلاعات شوروی (خبرگزاری شوروی م.) و اعلامیه‌های ضد فاشیستی پخش می‌کردند، از انتقال اجباری مردم به المان جلوگیری می‌کردند، اسلحه و مهمات جمع‌آوری می‌کردند. آنها موفق شدند حدود ۹۰ سرباز ارتش سرخ را از اسارت نازی‌ها آزاد سازند.

سوگندنامه اعضای «گارد جوان» چنین بود: «سوگند یاد می‌کنم که انتقام شهرها و روستاهای سوخته و ویران شده را، خون مردم ما را، شهادت معدنچیان قهرمان را بی‌رحمانه بگیرم... و اگر این انتقام جانم را می‌طلبد، بدون لحظه‌ای درنگ آن را می‌دهم». اکثر آن‌ها ۲۰-۱۷ ساله بودند. نینا ایوانتسوا که در میان معدود اعضای سازمان زنده ماند، به خاطر می‌آورد: «نازی‌ها ۳۰ معدنچی را در پارک فرهنگ و تفریح به طرز وحشتناکی اعدام کردند. مهاجمان معدنچیان را زنده به گور کردند. آیا ما، جوانانی که در کشور شوروی بزرگ شده‌ایم، می‌توانستیم به یوغ بردگی المانی‌ها گردن نهیم؟ نه و نه! اسلحه به دست گرفتیم».

در آغاز سال ۱۹۴۳، یک فتنه‌گر به سازمان خیانت کرد. در نتیجه خیانت او، نازی‌ها ۷۱ نفر را پس از شکنجه‌های شدید، به داخل چاه معدن انداختند، بسیاری از آن‌ها را تیرباران کردند. آخرین بار آگ کوشوی، لیوبوف شوتسوا، سمیون اوستاپنکو، دیمیتری آگورتسف، ویکتور سابوتین در ۹ فبروری در روونکی تیرباران شدند (روونکی، شهری در لوهانسک-م)...

در طول سال گذشته، در گزارش‌هایی که از میدان‌های جنگ عملیات ویژه نظامی منتشر می‌شود، نام شهرک‌هایی را در دونباس می‌بینیم که از زمان جنگ کبیر میهنی آشنا هستند. اکنون دونباس بخشی از روسیه است، اگرچه هنوز کاملاً آزاد نشده است.

مطمئناً باز هم «یک جشن بزرگ دیگر در محله ما» برگزار خواهد شد. زمان بازگشت به فرمان فرماندهی کل قواء در ۲۳ فبروری ۱۹۴۳ دوباره فرارسیده است: «ضربات قدرتمندی به لشکریان دشمن وارد شده، اما دشمن هنوز شکست نخورده است. مهاجمان المانی به شدت مقاومت می‌کنند، به ضد حمله دست می‌زنند، سعی می‌کنند در خطوط دفاعی دوام بیاورند و ممکن است به مفسده‌جویی‌های جدید دست بزنند. به همین دلیل است که در صفوف ما نباید جایی برای از خود رضایتی، بی‌احتیاطی و تکبر وجود داشته باشد».

درس‌های فرمانی که ۸۰ سال پیش صادر شد، امروز نیز عینیت دارد: «درس اول این است که با پیروزی مغرور نشویم و به خود افتخار نکنیم، دومین درس این است که پیروزی خود را تضمین کنیم و درس سوم این است که کار دشمن را یکسره کنیم».

... چه خوب که تقویم ما روز ۲۳ فبروری دارد!

برگرفته از تارنمای [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۵ اسفند- حوت ۱۴۰۱